پوهنتون پولی تخنیک کابل
مجله علم و تکنالوژی
جلد ۵۱ - شماره ۱
جوزا - سال ۱۴۰۲ - هـ.ش.
P-ISSN: 2305 - 896X
KPU-JST
تاریخ دریافت اثر: ۱۴۰۲/۰۳/۱
تاریخ قبـولی اثر: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

کُد برق شبکه و مقایسه ساختاری کُد برق افغانستان با کُد های کشور های منطقه

پوهنوال عبدالاله رسولی*

*استاد دیپارتمنت انجنیری برق پوهنتون پولی تخنیک کابل، ناحیه ۵، کابل، افغانستان، ایمیل آدرس: Ab.rasooli@kpu.edu.af

خلاصه

کُد شبکه، سند تخنیکی مبسوطی است که، تقاضا های وصل یک سیستم انتقال و استفاده بعدی آن را، در شبکه ملی ارایه می دارد. این سند در حقیقت ضامن کار نورمال باهمی، تمامی اجزای در هم تنیدۀ، سیستم های برقی است. کُد های ملی، تقاضا ها در سطح یک کشور و کُد های منطقوی، تقاضا های ذات البینی بین کشور های را که، با هم در بازار برق به مراوده می پردازند، تسجیل می نماید.

دراین مقاله، تیوری کُد برقی شبکه، از جنبه های تخنیکی وغیر تخنیکی ارایه، و متعاقباً کُد برقی شبکه، برای افغانستان مطالعه و به تحلیل گرفته شده است. ساختار آن بررسی، و با کُد های شبکه، برای کشور های که همین حالا و یا احتمالاً درآینده، با افغانستان تجارت برق خواهند داشت، مقایسه ساختاری گردیده است. این تحقیق که با رویکرد تحلیل کیفی و با اتکاء به معلومات سایت های انترنتی مراجع سکتوری برق، این کشور ها انجام شده است، نشان می دهد که، کشور های پاکستان و هند هر کُدام کُد های ملی خود را دارند، و برای حوزه سارک[1] کُد برقی منطقوی وجود دارد، که همین اکنون بین تعداد از کشور های این حوزه، استفاده می گردد. کشور های آسیای میانه به دلیل احتمالی عدم دخول منابع بزرگ تجدید پذیر از یک جانب و در هم تنیدگی قبلی با هم تا به حال کُد های مدون مدرن را ندارند. در عوض با مشابهت به سیستم های تخنیکی کشور روسیه اسناد مشابه به کُد های برقی را دارند. برای کشور ایران با وجود اشاراتی در یک تعداد از مقالات، کُد های مدون دریافت نگردید اما در عوض چند نظام نامه به دست آمد. هدف این تحقیق این است، روشن گردد کشور های منطقه کُد های برق شبکه دارند؟ اگر دارند چه تفاوت های ساختاری با هم و با کُد های ملی ما دارد؟ در منطقه کُد های منطقوی وجود دارد ویا نه؟

از مقایسه کُد ملی شبکه برای افغانستان با کُد های ملی در کشور های همسایه وکُد منطقوی دیده می شود که این کُد ها از نظر ساختاری تفاوت های بسیار دارند. موجودیت این تفاوت ها مخصوصا در بخش انتقال و اتصال شمولیت افغانستان را در یک بازار منطقوی برق دچار مشکل می سازد.

با عین دلایل که کشور های دیگر از کُد های منطقوی پیروی می نمایند، ایجاب می نماید که افغانستان نیز شامل سیستم کُد های منطقوی گردد که باید برای منطقه ساخته شود. این کُد منطقوی باید کشور های ترکمنستان، ازبکستان، تاجکستان ، قرغزستان، پاکستان و حتی هندوستان را شامل گردد. در تدوین این سند، کُد حوزه سارک نیز باید درنظر گرفته شود.

اصطلاحات کلیدی: کُد شبکۀ ملی، کُد شبکۀ منطقوی، تنظیم طاقت – فریکونسی، سیستم های به هم پیوسته، منابع انرژی تجدید پذیر

---

* مولف مسئول

[1] SAARC

بیوگرافی مولف



پوهنمل عبدالعزیز منیب منحیث استاد در دیپارتمنت اقتصاد رشتوی و تاریخ پوهنځی انجینیری منابع آب و محیط زیست پوهنتون پولی تخنیک کابل ایفای وظیفه می نماید، که در سال ۱۳۷۴ از رشته تاریخ عمومی به درجه لسانس از پوهنځی علوم اجتماعی پوهنتون کابل فارغ التحصیل گردیده و بعد از فراغت در همان سال شامل در کادر علمی پوهنتون پولی تخنیک شده است و تا فعلاً به وظیفه استادی خود در دیپارتمنت متذکره ادامه داده و استاد برحال است. ساحه تحقیقی شان در موضوعات مرتبط به تاریخ معاصر افغانستان میباشد.

مأخذ

[۱] ل. ادمیک, د افغانستان د بهرنیو اړیکو تاریخ, پیشاور, ۱۳۸۳ ه ش

[۲]. ج. ل. نهرو, نگاهی به تاریخ جهان, تهران: موسسه انتشارت ۱۳۶۱ ه ش ، ص . ۴۷۵ . ۴۷۶. ۴۵۷ . ۴۲۸ امیر کبیر,

[۳] .س. غ. م. غبار , افغانستان در مسسیر تاریخ, پیشاور: دارالاسلام, ۱۳۸۹ ه ش

[۴] .س. ق. رشتیا, افغانستان در قرون ۱۹, پیشاور: مرکز نشرات میوند, ۱۳۷۷ ه ش

[۵] .ح. پنجشیری, تاریخ معاصر افغانستان, کابل: انتشارات سید حبیب الله, ۱۳۹۹ ه ش

[۶] م. م. ص. فرهنگ, افغانستان در پنج قرن اخیر, تهران: موسسه طبوعاتی اسماعیلیان, ۱۳۷۳ ه ش .

[۷] . پ. پیکار , نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان, کانادا: نقش ما, ۱۳۸۹ ه ش

[۸] ع. ع. عمر, تاریخ المشرق الغربی, دارالنضهضه العربی, ۱۹۸۴ م

[۹] ع. البطریق, التاریخ الاروبی الحدیث, بیروت: دارالنهضه العربیه, ۱۹۸۵ م ، ص .۴۳ . ۱۵

[۱۰] مجموعه من العلماء, الموسوعه العربیه المیسره ص .۱۸ . ۱۰

[۱۱] .س. ح. شیرازی, تاریخ درانیان, مرکز اسناد و تاریخ دپلوماسی, ۱۳۷۹ ه ش ، ص ۱۲۳ . ۱۲۲ . ۹. ۸

[۱۲] و. گریگوریان, ظهور افغانستان نوین, تهران: پخش کناب پکتا, ۱۳۸۸ ه ش ، ص.۱۲۲ . ۱۲۳ . ۱۲۵

[۱۳] م. غ. ب. الامحانی, تاریخ الدوله الاعلیه الاعثمانیه, بیروت: دارالاجیل, ۱۹۷۷

[۱۴] ع. نوار , اروپا در عصر وسطی, بیروت: دارالنهض ۱۹۸۰م , ص .۱۹ . ۱۶

[۱۵] خ. حیفی, افغانستان تخته خیز آسیا, کابل: انتشارات میوند, ۱۳۸۹ ه ش ، ص .۳۵ . ۶

انگلیس را در یک گوشه از وطن به نوک شمشیر اخذ نموده، غیرت افغانی خود را بجا نموده و برای همیشه این جنگ بنام شهکاری شجاعت و سربازی و غیرت ملت افغانی در تاریخ ملی یادگار ماند.

اگر به نظریات مورخین و سیاست مداران، صاحب منصبان و حتی اکثریت اشخاص مقتدردر باره تجاوز اول و دوم انگلیسها دقت شود دیده میشود که: هردو تجاوز بدون دلیل واضح ، سبب لشکر افسران نظامی انگلیسها در هند و حتی لندن، پوچ مغزی و خود خواهی و شهرت طلبی فرمان روایان انگلیس و هندی بعمل آمده است. پس این لشکر کشی اول بدون کدام دلیل قاطع، بدون نشان دادن افسران جز عصبیت، لج بازی و تکبر افسران نظامی انگلیس و لاردآکلند چیز دیگر را نشان نمی دهد.

از خلال معلومات بدست آورده به این نتیجه می رسیم که انگلیسها از اشکال گوناگون به اساس ضرورت وقت استفاده نموده اند که عبارت از هراس و اخطار، مداخله بیجا و سیاست دوستانه و سیاست های غیر فعال، همچنان سیاست مداران انگلیس در قسمت مداخلات شان در افغانستان به نظریات شان به سه حصه تقسیم گردیده بود. سیاست پیشروی که هدف شان وصول تا کوه های هندوکش، تصرف راه ها و دره های مناطق شرقی و جنوبی و سیاست عقب نشینی که هم آب دریای سند به صفت مانع بین هر دو قرار گیرد و هم از شر افغانستان تا حدی در امن باشند.

یکی از اهداف اساسی انگلیسها تجزیه و تقسیم افغانستان بود که یک قسمت آنرا توسط سکه ها و قاجاری فارس و بعد از آن بوسیله خود شان، که مناطق سند، بلوچستان را تصرف و به اساس معاهده گندمک و دیورند بسیاری مناطق را در شرق و جنوب در اختیار خود قرار دادند و سرحد فعلی تعیین گردید. مداخله مستقیم انگلیسها در امور داخلی افغانستان در اثنای تعیین سرحدات که اکثریت این سرحدات به ضرر افغانستان و نفع همسایه ها تعیین گردیده و افغانستان بسیاری از مناطق را به اساس آن از دست داد. سلب استقلال سیاسی افغانستان که به یک شکل از دورهء دوم امارت دوست محمد خان آغاز و تا دوره سلطنت های امیریعقوب خان و امیرعبدالرحمن خان و امیرحبیب الله خان ادامه داشت تا در دورهء سلطنت امیر امان الله خان افغانستان بار دیگر استقلال سیاسی خود را بدست آورد.

قیام های متعدد علیه انگلیسها در مناطق مختلف افغانستان صورت گرفت که از آن جمله قیام عمومی علیه انگلیسها در کابل سال (۱۸۴۱م) در اثنای تجاوز اول انگلیس علیه افغانستان و قیام عمومی دوم در اثنای تجاوز دوم انگلیسها علیه انگلیس درکابل و ولایات همجوار آن (پروان، کاپیسا، وردک، غزنی، قندهار) و بعضی مناطق دیگر ، که در هر دو قیام مردم افغانستان نیز تلفات را متقبل و یک تعداد از آزادی خواهان گردیدند در پهلوی آن تلفات بیشتر را انگلیسها متقبل شدند. که در تجاوز اول تا چهل هزار نفر و در تجاوز دوم صرف در جنگ میوند بیشتر از دوازده هزار نفر به قتل رسیدند. این تجاوزات باعث ضعف اقتصادی، سیاسی ، نظامی و فرهنگی مردم ما گردیده از لحاظ زراعت، تجارت و صنعت کشور ما به سالها قبلی خویش برگشت نموده، اختلافات قومی، سمتی، نژادی و مذهبی را در بین مردمان این کشور دامن زده و اتحاد این مردم را در اکثریت اوقات به اختلافات و دشمنی تبدیل نمودند.

۷. پیشنهادات

به وزارت تحصیلات عالی امارت اسلامی پیشنهاد می نماییم تا در باره : کمپنی ها ، شرکت ها و و یا موسسات ایکه در زیر این نامها در مضمون تاریخ و سقافت اسلامی اضافه نمایند تا چهره آنها و اهداف شوم آنها را برملا سازند.

به استادان مضمون تاریخ معاصر افغانستان و سقافت اسلامی پیشنهاد می نماییم تا در یکی از روزها دروس خویش چهره واقعی استعمارگران و استسمارگران که در طول تاریخ تحت نام های مختلف فعالیت نموده اند، چهره آنها را برملا سازند.

در دورهء سلطنت امیرعبدالرحمن خان استقلال سیاسی صلب گردیده ، در امور خارجی با انگلیسها مشوره صورت می گرفت، روابط افغانستان با روسها و فارس محض به تار خام بسته شده بود . دوستی بیشتر با انگلیسها داشتیم، اما با وجود آن هم انگلیسها تلاش می کردند، بعضی از مناطق شرقی و جنوبی خاک ما را تصرف نمایند و بعضی مناطق دیگر آنرا عمداً نا آرام می ساختند. به اساس امضای این معاهده افغانستان بسیار مناطق از خاک اصلی خود را از دست داد و انگلیسها بواسطه زور و رشوه بالای این مناطق مسلط شدند. و کشورما به افغانستان کوچک امروزی تبدیل گردید.

مداخله انگلیسها بعد از دوره امیر عبدالرحمن خان هم ادامه داشت، بعد از اینکه امیر حبیب الله خان بقتل رسید و امیر امان الله خان استقلال کشور را اعلان کردهمچنان این مداخله ادامه داشت، طوریکه دیده شده (لارنس) در افغانستان برای فعالیتهای تخریبی وارد عمل گردیده بود و او وظیفه داشت که تمام آثار مترقی دوره امانیه را مطالبه و طوری رفتار نماید، که در اذهان مردم عام تمام پلانهای مترقی این دوره را ضد مذهب قلمداد نماید و طوری تبلیغ نمود که ، مورد قبول مردم عام و مخالفین دولت امان الله خان قرار گیرد. وی در لاهور تحت سرپرستی مولانا پیرکرمشاه گروهی را ترتیب نموده که به تغییر لباس دست به فعالیتهای تخریبی بکار انداخت، امان الله خان که از فعالیتهای لارنس آگاه شد، که تحت شعار مذهب فعالیتهای تخریبی می نماید ، به گرفتاری وی امر داد، موصوف زمانیکه خبر شد، خود را غائب ساخت. [7]

پس گفته می توانیم که انگلیسها به اشکال و انواع مختلف در امور داخلی افغانستان فعالیت نمود و نظر به ضرورت وقت سیاست خود را با وسایل که از آن بخاطر تخریب کاری دولت افغانستان و یا بعضی از شخصیت های معروف ملی کار می کردند و از آن استفاده می نمودند تغیر دادند.

۶. نتیجه گیری

« انگلیسها در اثنای موجودیت شان در هند و اثنای مداخلات شان در افغانستان، از قشر سازش کار و خاین به ملت و وطن، در موارد مختلف به اساس ضرورت های مکانی و زمانی استفاده می کردند مانند، میانجی گری، فریب دادن اذهان و افکار عامه، شکنجه و سرکوب مخالفین، تفرقه افگنی و غرور شکنی و امثال آن » . [7]

زمانشاه که پلان حمله بالای هندوستان را داشت، تا مناطق نا آرام جزء امپراتوری احمد شاه را آرام و مناطق دیگر را در هند تصرف نماید، در مقابل کمپنی هند شرقی که نیروی فایق در هند بشمار می رفت، این پیش امد را جدی گرفته و دست به یک رشته اقدامات زد "که سلسله آن بشکل فعالیت های دیپلوماتیک و مداخله حربی برای بیش از یک قرن در کشور های همسایه شمال هند به ویژه افغانستان ادامه داشت، در دوره اول فعالیت های انگلیس در داخل افغانستان از سال (۱۷۹۸ و تا حدود ۱۸۱۸م) ادامه داشت.

بعد از اینکه زمان شاه به خاطر جلب کمک شاه شجاع عازم پشاور شد، مگربه دام افتادن دراماتیک وی در قلعهء ملاعاشق شینواری و بعداً نابینا شدن اش بدست جراح محمود، نه تنها بمقصد رسید، بلکه با سقوط سلطنت وی خاک های اطراف سند، پنجاب و پشاور برای همیشه از افغانستان جدا شدند.

«اما شک دارم که در فهرست همچو اعلامیه های دول یک نسخه هم نسبت اولیتماتومی که از طرف کابینه ملکه بنام امیرشیرعلی خان صادر شد، دارای اتهامات ناچیزتر و الزمات بی اساس تر وجود داشته باشد، این اوراق را هر انگلیس که به شرف مملکت خود ارزش قایل می باشد جز باحس خجالت خوانده نمی تواند». [4]

یکی دیگر از نتایج امضای معاهده گندمک (جنگ میوند) به سر کرده گی سردار محمد ایوب خان که در این جنگ تقریبا تمام لشکر موجوده انگلیسها در میدان جنگ کشته شدند و به این ترتیب یکبار دیگر مردم افغانستان انتقام تجاوز

حرکت کرد و یعقوب خان را قبل از حرکت از زندان رها و به صفت مسئوول قوای کابل و ننگرهار تعیین کرد. انگلیسها که در سالهای اخیر دوره دوم امیرشیرعلی خان تصمیم تجاوز را داشتند در کویته، بلوچستان، راولپندی و وزیرستان با چترال در نقاط مهم استراتیژیک آماده گی جنگ را گرفته بودند، (وقتیکه از آمدن هیت روسی به کابل خبر شدند،جنرال چمبرلین را در بدل عطا محمد خان نماینده سابقه خود شان فرستاد، به این هیئت هدایت داده شده بود، که اگر امیر بخواهد و یانخواهد به کابل مارش و امیر را مجبور سازند تا هیئت روس را از کابل خارج و اقامت دایمی افسر نظامی انگلیس را در خاک خود قبول و در سیاست خارجی با انگلیس مشوره شود) [3]

بعد از بازگشت هیئت از علی مسجد بدون ورود به کابل، جانب هند و در ماه نومبر اولتیما توم برای مدت ده روز به امیرداده شد، تا شروط را قبول نمایند در غیر آن انگلیس ها حمله می نمایند. امیر از مرکز جانب شمال رفته با روس ها تماسهای مکرر صورت گرفته، اما جواب روس ها در هر مرتبه منفی بوده، امیر در منطقهء شمال مریض شد و در ماه فبروری سال (۱۸۷۹م) وفات و یعقوب خان در ماه مارچ همین سال پادشاهی خود را اعلان کرد. بعد از اینکه یعقوب خان به قدرت رسید، قوای انگلیسها در سه ولایت سرحدی کشور داخل گردیده بودند، آنرا توقف داده و چندین نفر را نزد یعقوب خان فرستاده، تا موصوف را به خاطر مذاکرات آماده سازند، در نهایت یعقوب خان آماده گی خود را به خاطر مذاکرات نشان داده و امیربتاریخ ۲ ماه می (۱۸۷۹ م) جانب گندمک حرکت کرده و بتاریخ(۲۶) ماه می معاهدهء گندمک را در ده شرط با نمایندهء انگلیس ها (کیوناری) امضاء کرد. کیوناری در بارهء امضای این معاهده به گورنر خود در هند نوشت: ‹‹این معامله طوری با یعقوب خان انجام گرفت گویا با یک قبیله در مرز انجام گرفته باشد››. [5]

به اساس این معاهده افغانستان یک قسمت از خاک خود را از دست داده، سفیر انگلیسی زبان در کابل قبول و نیز افغانستان استقلال سیاسی خود را از دست داد. کیوناری به اساس معاهده گندمک در (۲۴) جولای همین سال به کابل آمده، چون در امور داخلی افغانستان مستقیماً مداخله را آغاز کرد، این عمل موصوف باعث قتل وی گردیده، انگلیسها بعد از خبر شدن قتل کیوناری، سوقیات انتقامی خویش را دوباره بتاریخ (۲۰) سپتمبر آغاز و بتاریخ (۳) اکتوبر(روبرتس) یعقوب خان را نظربند و به تاریخ (۱۲) اکتوبر بالاحصار را منهدم نموده و استعفی یعقوب خان را نیز گرفتند و بصفت زندانی سیاسی به هندوستان فرستاده شد. همین دلایل باعث آن گردیده تا قیام علیه انگلیسها صورت گرفت و در دسمبر (۱۸۷۹م) جهاد سازمان یافته علیه انگلیسها شکل گرفت، این قیام را محمد جانجان وردگ ، ملا دین محمد اندری مشهور به ملا مشک عالم ، میربچه خان کواهدامن، غلام حیدرخان چرخی، میرغلام قادر خان صوفیانی (برادر پرویز شاه خان پغمانی) و محمد عثمان خان پروانی رهبری می کردند. [5]

عبدالرحمن خان که بعد از اسارت پدر به شمال دریای آمور رفته بود و گاهی در سمرقند و یا تاشکند رنده گی می کرد و مراقب اوضاع افغانستان بود، از وضعیت کشور معلومات حاصل و به عجله داخل مناطق شمال افغانستان گردیده، اعلان جهاد کرده، مردم وی را حمایت نموده بعد از رسیدن به چاریکار پادشاهی خود را اعلان کرد، بعد از اعلان پادشاهی انگلیسها با موصوف یک معاهده را در منطقه ذمه شمال کابل امضا و به اساس آن تمام شرایط معاهده گندمک را قبول نمود. در این باره فرهنگ می نویسد: ‹‹ واضیح است که خود شما نمی توانید هیچ گونه روابط سیاسی را با کدام دولت خارجی بجز حکومت بریتانیه داشته باشید. با قبول این شرط امیر عبدالرحمن خان یک بار دیگر بر سیاست اسلامیش در باره انصراف از ازادی خارجی افغانستان بنفع انگلیس در بدل وعده عدم مداخله را در امور این کشور داد و در ضمن کمک مادی و سیاسی را جهت محکم ساختن موفقیت خودش بدست آورد››. [6]

در باره معاهدهء ذمه رشتیا می نویسد: ‹‹ موضوع اصلی و اساسی که عبارت از مطالبهء استقلال سیاسی افغانستان باشد به آینده گذاشت. با وجود اینکه استقلال خارجی نداشتیم و به مشوره انگلیسها امور خارجی صورت می گرفت››. [4]